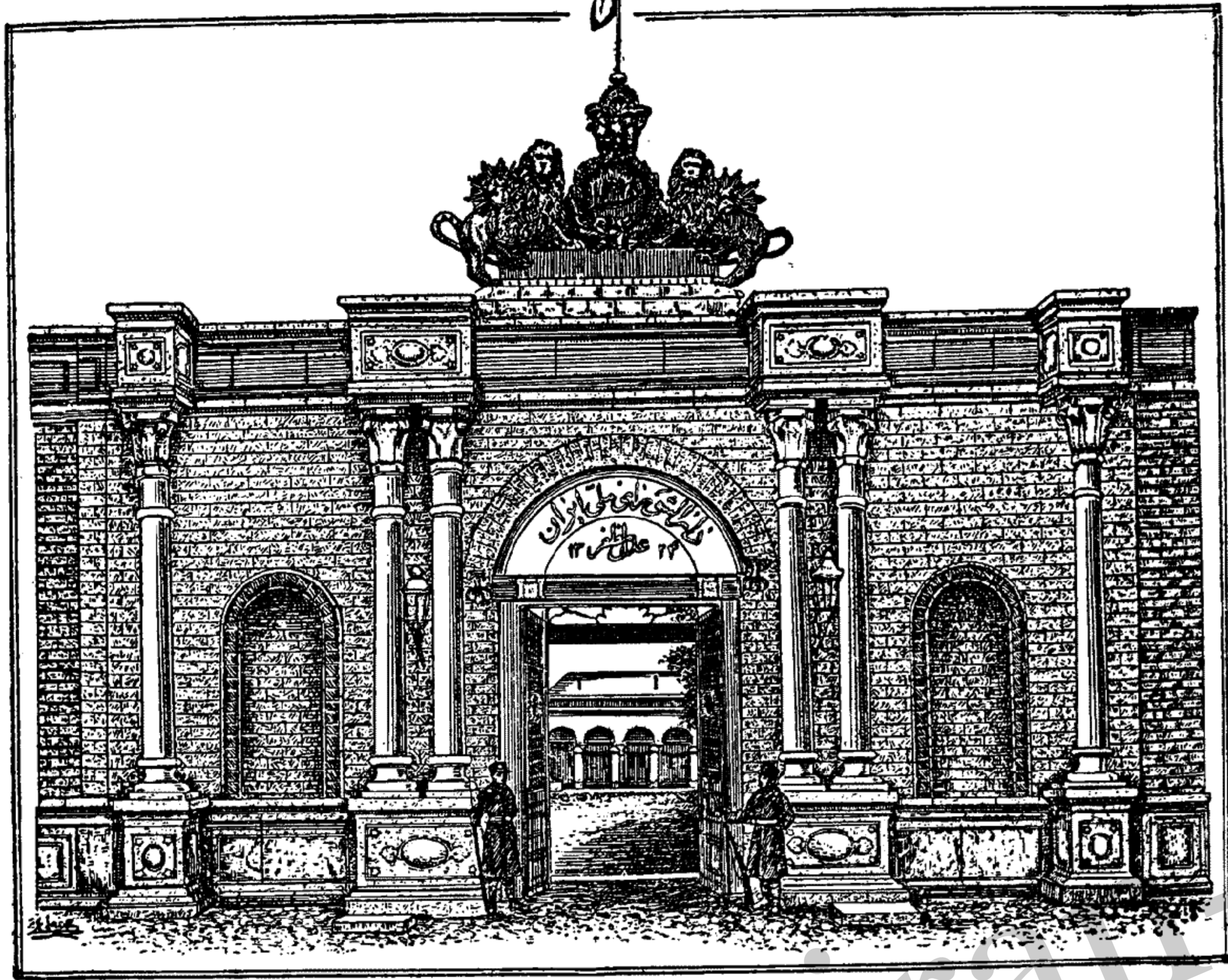


دوره ششم تصنیفیه

<p>جلسه ۲۶۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۳۰</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنج شنبه ۲۸ تیر ماه ۱۳۰۷ مطابق اول صفر ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك داخله ايران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران</p>



# فهرست مندرجات



## مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت متروح مجلس پنج شنبه ۲۸ نیر ماه ۱۳۰۷ مطابق اول صفر ۱۳۴۷

### جلسه ۲۶۵

- |   |   |
|---|---|
| <p>( مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر ریاست آقای بیربدا تشکیل گردید )<br/>( صورت مجلس سه شنبه ۲۶ نیرماه را آقای دولتشاهی قرائت نمودند )</p> | <p>غائبین با اجازه جلسه قبل<br/>آقایان : آیه الله زاده خراسانی - دکتر طاهری -<br/>نکجهان - ضیاء - میر ممتاز - نجومی - اسعد - مقدم -<br/>آقا میرزا هاشم آشتیانی - ثقة الاسلامی - لبقوانی</p> |
|---|---|

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تصویب مرخصی آقایان امیر حسین خان ایلخان - طباطبائی و کیلی - مولوی	۴۸۲۷	
۲	شور اول نسبت بخر کمسیون داخله راجع بسجل احوال	۴۸۲۷	۴۸۴۹



غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: اسدی - موقر - ذوالقدر - اعظمی - زارع - میرزا محمد تقی طباطبائی - قوام - مهدوی - کلای - افسر - آقا زاده سبزواری - غلامحسین میرزا - حاج حسن آقا ملک - اسکندری - فرشی - میرزا حسنخان وثوق - حاج غلامحسین ملک - ابراهیمی

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: کی استوان - فهیمی - شیروانی - بیات ملک مدنی - فرمند - خواجوی دیر آمده بی اجازه جلسه قبل

آقای امام جمعه تبریز

رئیس - صورت مجلس ایرادی دارد؟

(گفتند خیر)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون مرخصی است

(بشرح ذیل قرائت شد)

خبر مرخصی آقای امیر حسین خان

نماینده محترم آقای امیر حسین خان ایلخان از اول مرداد تقاضای بیست روز مرخصی نمودند چون نماینده معظم الیه از اول دوره تقاضای مرخصی نکرده اند لذا کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم مینماید

رئیس - آقایانیکه این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای طباطبائی و کیلی

نماینده محترم آقای طباطبائی و کیلی از اول مرداد الی ۲۲ روز تقاضای مرخصی نموده کمیسیون موافق اینک خبر آنرا تقدیم مینماید

رئیس - آقایانیکه مرخصی آقای طباطبائی و کیلی را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر رخواستند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای مولوی

نماینده محترم آقای مولوی از دهم تیر ماه دوازده روز اجازه مرخصی کردند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آنرا تقدیم مینماید.

رئیس - آقایانیکه این خبر را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. لایحه سجل احوال از ماده دوم مطرح است

(بشرح آنی خوانده شد)

ماده ۲ - پس از يك سال فوق کلیه مأمورین مملکتی موظف مینباشند در مواقع صدور کلیه اسناد رسمی (از قبیل حکم انتصاب بخدمات مملکتی و تعرفه انتخابات و جواز اسلحه و جواز عبور و تذکره) و در موقع مراجعات اشخاص بحاکم عدلیه و ادارات مملکتی (برای دادن و گرفتن امانت پستی و تقاضای ثبت اسناد و املاک و پذیرفته شدن در مدارس و امثال آن ورقه هويت مطالبه نمایند و الا مشمول مجازات مصرحه در فقره ۳ از ماده ۳۸ قانون استخدام کشوری خواهند بود.

تبصره - محاکم عدلیه میتوانند در امور فوقی ورقه هويت را شرط قبول تظلم قرار ندهند ولی پس از ده روز از تاریخ تظلم هرگاه شخص مراجعه کننده ورقه هويت تحصیل نکرد از رسیدگی خود داری نمایند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اساساً بنده نمیدانم این لایحه يك شوری است یا دو شوری و اگر دو شوری است ماده اول خوانده شد ولی دیگر مذاکره در آن واقع نشد و بنا بود مذاکره شود فقط در کلیات صحبت شد این است که چون بنده اشتباه دارم خواستم از مقام ریاست سؤال کنم که ترتیب این لایحه چیست؟

وزیر داخله - بنده یاد آوری میکنم که در ماده اول مدتی مذاکره شد آقایان نظریات خودشان را اظهار کردند.

رئیس - در هفدهم اسفند ماه هم در کلیات صحبت شده و هم در ماده اول. آقای دهستانی

دهستانی - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده چون همیشه طالب تسهیلات برای مردم هستم عرض میکنم که این ماده خیلی تزییفات و سختی برای مردم دارد که باید در همه جا ورقه هويت را همراهش داشته باشد. آخر در سفر است، غیر سفر است کم میشود فراموش میشود در سفر همراه ببرد و همینطور در محلهای دیگر. همه جا سجل احوال را حزر جواد خودش بکند که کم نشود این کار خیلی مشکل است. از آنطرف دولت در امور خیلی جزئی مطالبه سجل احوال میکنند باید شخص حاضر داشته باشد بدهد اینهم کار مشکلی است مشکلتر از همه اینکه آمد در سفر همراهش نبود با این شخص چه خواهند کرد. وقتی میخواهد از سرحد عبور کنند کم شد یا فراموش کرده بود که همراه خودش بیاورد آنوقت با این شخص مسافر در بیابان چه جور رفتار خواهند کرد؟ البته باید این قانون اصلاح شود و يك قانونی در مجلس تصویب شود نه اینکه در تمام امورات شخصی سجل احوال را همراه داشته باشد. آنوقت در غالب جاها اسباب زحمت و اشکال تولید خواهد کرد. گرچه در بعضی جاها نفع هم دارد ولی نفعش را باید مقایسه کرد با ضررش آنوقت ببینید کدام یکیش بیشتر است. این را توضیح بدهند. بنده که گمان میکنم ضررش خیلی زیادتر است احتشامزاده (خبر کمیسیون داخله) نماینده محترم باید تصدیق فرمایند برای اجرای مقررات باید ترتیبی قائل شد که مردم را بالاخره عادت داد باینکه همیشه رعایت انتظامات را بکنند و سجل احوالشان همراهشان باشد. اگر نماینده محترم فراموشی را بخواهند مداخله بدهند در بعضی از موارد تصدیق فرمایند هر کس بر خلاف نظم و ترتیب عمل کند به عذر اینکه من فراموش کرده ام بکلی امور مملکت مختل مینماید و البته این قضایا برای روزهای اولیه است که مردم را مقید بکنند بداشتن سجل احوال پس از آنکه

رئیس - آقای حقنویس

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

بعضی از نمایندگان - بلی کافی است

رئیس - ماده سوم قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ هر شخصی باید برای خود اسم مخصوصی انتخاب کند زوجه و کلیه اولاد و اطفال ذکور آن شخص و همچنین کلیه اولاد و اطفال اناث او مادام که شوهر اختیار نکرده اند با آن اسم مخصوصی که نام خانوادگی است موسوم خواهند بود بنا بر این هر کس دارای اسمی خواهد بود مرکب از نام خانوادگی و نام شخصی مثلاً: (محمود کامران) بفرض اینکه محمود نام شخص و کامران نام خانوادگی باشد (اشخاصی که از يك خانواده هستند میتوانند برای خود اسم واحد انتخاب کنند و بر عکس اولاد يك خانواده که در تحت کفالت نیستند میتوانند اگر بخواهند اسم خانوادگی علیحده برای خود انتخاب نمایند.

تبصره - اسمی خانوادگی پس از ثبت در دفتر سجل احوال هر حوزه سجل احوال مخصوص اشخاصی است که بنام آنها ثبت شده است و دیگری حق اختیار آن اسم را در آن حوزه ندارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در اینجا قائل شده است که برای هر کس يك اسم خانوادگی معین شود و معلوم هم هست



که اسم خانوادگی هرکس را دیگری نمیتواند برای خودش بگیرد در يك شهر صد هزار خانواده است صد هزار اسم خانوادگی را که هر کدام غیر از دیگری باشد از کجا باید پیدا کرد نام اسماء را وقتی حساب بکنیم باز هم صد هزار نخواهد شد والان چند هزار حسین چند هزار حسن و غیره در این شهر داریم. اینجا قدغن شده است که کسی اسم دیگری را غضب نکند. خوب اینها چندین هزار اسم علیحده از کجا بیآورند پس خوب بود يك ترتیب معین میکردند که امکان داشت آن وقت در قانون بنویسید اینطور محال است

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آف اشکالی نداشته باشند و فقط در اینکه بتوانند لغت پیدا بکنند اشکال دارند امیدوارم اگر اشکالی داشته باشد به آقا یا بدیگری مراجعه کنند رفع اشکالشان را میفرمائید و از طرف دیگر این صد هزاری که میفرمائید این اسامی برای خانواده است و فرضاً در يك شهر مثلاً طهران چند هزار خانواده باشد در شهرهای دیگری هر کدام چند هزار خانواده ندارد و پیدا کردن چند هزار کلمه يك چیز زیادی نیست و بعلاوه میفرمائید اسم خانوادگی چرا برای اشخاص انتخاب میکنند؟ برای این که تشخیص داده شوند و الا هزار حسین هزار تاحسن است. باین جهت اسم خانوادگی انتخاب میکنند که معلوم باشد کدام حسین است و چون سؤال فرمودید برای رفع اشکال توضیح داده شد که جنابعالی هم موافق باشید بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده چهارم

(شرح آتی فرائد شد)

ماده ۴ - از تاریخ تأسیس شعب سجل احوال در هر محل پدر یا مادر یا قابله در مورد تولد و زوجین در مورد ازدواج و طلاق باید تولد یا ازدواج یا طلاق را در ظرف ده روز از تاریخ وقوع در نقاطی که شعب سجل احوال تأسیس شده باشد کتباً بنظمیه و در نقاطی که نظمیّه تأسیس نشده باشد بکدخدای محل اطلاع بدهند

ادارات و مامورین مزبور مکلف میباشند پس از تحقیق در صحت اطلاعات واصله مراتب رابه مامور سجل احوال مربوطه باسرع اوقات اطلاع داده و اولیاء اطفال بان شخصی را که برای آنها ازدواج و طلاق واقع شده رسماً از اجرای تحقیقات مطلع سازند که برای اخذ ورقه هویت و ثبت ازدواج و طلاق بدفتر سجل احوال مراجعه نمایند

تبصره - اطفالی که در مؤسسات عام المنفعه از قبیل مرضخانه و دار المساکین و غیره متولد میشوند رؤسای مؤسسات مزبوره باید در ظرف ده روز مراتب را بنظمیه یا کدخدای محل اطلاع دهند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - آقای حقنویس

حقنویس - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - آقای زعیم

زعیم - عرضی ندارم

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم که این قانون میگردد و همه می بینید. ولی بنده میخواهم از آقای وزیر داخله پرسم ایشان

وزیر داخله هستند اطلاعاتشان باید بیش از همه باشد حقیقه همانطوری که تصویب شد فوراً اجرا میشود و قابل اجرا هست؟ در قانون باید تناسب اخلاق و عادات و سهولت اجرا را در نظر گرفت. خیلی خوب مذاکرات کافی میشود و رأی هم میدهم و شور دوم هم می آید ولی شما که مجری هستید چه طور اجرا میکنید؟ بقول یکی از بزرگان علماء که میگوید ملل شرق اشتباهشان این است که تصور میکنند همه کارها را با قانون میشود درست کرد در صورتیکه شرط حاضر بودن عامه است برای اجرای قانون - میفرمائید در مورد تولد، طلاق، ازدواج، باید بلافاصله بعضی جاها تا چند روز

فصله حتماً خبر بدهند. شما نگاه کنید باین مملکت ببینید واقعاً اینطور میشود که اگر بعد از چند روز نشد اطلاع بدهد مطابق ماده فلان مجازت بشود؟! يك دهاتی در وسط دره کوه مره شما به او يك اولادی داد. در راه هم هست. میخواهد از این دره بگذرد به آن دره آب چر، علف چر بکند. این موظف است حتماً خبر بدهد؟ این آدم اصلاً این قانون به گوشش نرسیده است تا خودش را مکلف بداند بکار. تصور کنید که هزار مسجد خراسان شما در دره این طرف و آن طرف بروید فقط يك خانواده می بینید این اینجا مطلع میشود؟ کی باو میگوید؟ روز نامه خوانده؟ این اصلاً آدم ندیده است زبانهای مختلف لهجه های مختلف دلیل است بر اینکه اینها حشر ندارند، معشرت ندارند، نازه راهی پیدا شده است آنهام شاهراه های شوسه شده بنده با اساس این لایحه چنانکه در کلیاتش هم عرض کردم کاملاً موافقم البته يك مملکتی نباید مجهول الهویه باشند در خبی موارد دارای استفاده است. باینه اقتصادت مملکت است احصائیه لازم است ولی يك کاری بکنید که این قانون اجرا بشود ما که با مردم طرف هستیم این را برای سعادت خود مردم میخواهیم شما بیایید بر عکس مامورینشان را مکلف کنید و بگوئید در هر محله حتی در شهر بقول یکی از آقایان وکلا که گفتند نمیدانم این دوره یا دوره گذشته شنیدیم یا روز نامه خواندم که در جذب طهران اشخاصی هستند که هنوز نمیدانند مملکت مشروطه شده است.

مدرس - وسطش هم همینطور است

بامداد - در همین جنوب طهران اشخاصی هستند که نفهمیده اند که این سجل احوال چه نتیجه برای آنها دارد و اگر نکنند گرفتار چه مجازاتی میشوند این است اوضاع عمومی با نقض معارف است یا چیز دیگر نمیدانم. بالاخره در مقابل این وضع حاضر و موجود واقع شده ایم و قانون هم میخواهیم بنویسیم برای این وضع حاضر و موجود است شما مامورین

خودمان را مکلف کنید پست دارید کیسر دارید آژان دارید، اجری بلدیہ دارید، اینها با هوش ترند، موظفند اینها را مکلف کنید به محض اینکه اتفاقی از این قبیل که این ماده شرح میدهد افتاده اطلاع بدهند ثبت کنند خودشان هم بروند پرسند که محمود یا حسن که متولد شده پدرش کیست مادرش کیست که در آن خانواده ثبت شده باشد لا اقل در اول دفعه این کار را قرار بدهد چون هر قانونی در اولش باید تسهیلاتی داشته باشد بعد هر قدر که پیشرفت کند مجلس است و شما هستید البته مملکت حکم است طرف اعتماد دارد آنوقت لایحه را میآورد اصلاح میکنند ما البته این ماده را تصویب میکنیم، شما هم دلتان میخواهد اجرا کنید اما محیط برای این اجراء حاضر نیست بی سواد و بی اطلاعی و غیره و غیره که خودتان میدانید یکی هم بی علاقگی مردم تقانون صلاحه اعتنا دارد! شما در طهران هستید خودتان هنوز میدانید؟ اینکه معاملات انتخابتان همه مقید شده است بدانتن سجل احوال و اینجا تمدن ایران است آیا تمام افراد سجل احوال دارند؟ بعضی ها اصلاً نمیدانند سجل احوال چه جانوری است این اداره تأسیس شده یا نه بروید نوبی چاله میدان برسید به بینید از صد نفر و پنجاه نفرش یعنی سجل احوال را فهمیده بنا بر این بنده عقیده ام بنسخته تسهیل بکنید که این قانون اجرا بشود برای اجراء قانون و سعادت مملکت مخصوصاً در بدو امر این تسهیلات لازم است. حالا مختارید

وزیر داخله - نمیدانم محترم باید تصدیق فرمایند که اگر همیشه ما يك مشکلاتی را مانع وضع قانون قرار بدهیم هیچوقت موفق نخواهیم شد که يك قانونی بگذاریم البته در هر قانونی و در وضع هر قانونی و در اجرائی هر قانونی يك مشکلاتی هست و البته دولت سعی میکند که مشکلات را رفع کند و ترتیبی بکند که قانون اجرا شود در این ماده هم تصور میکنم تسهیلات لازمه تا يك اندازه تأمین شده است. زیرا در جائی که دسترسی به مؤسسات نظمیّه و غیره هست میتواند اطلاع بدهند



در جائی هم که دسترس کمتر است بگذرد یا بیک جاهای دیگر اطلاع میدهند

بامداد - در ظرف ده روز؟

وزیر داخله - ده روز کم است برای اینکه بیک محلی خبر بدهند؛ البته بس است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافیت

رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی (بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم به ماده ۳ اضافه شود:

تبصره ۲ هیچکس حق ندارد سهم خانوادگی دیگری را عنوان تابعیت خود قرار دهد

رئیس - ماده پنجم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۵ - در موقع ازدواج یا طلاق شوهر مکلف است ورقه که حاکی از وقوع عقد یا طلاق بوده و معرف زوجین باشد با مضی مجری صیغه رسانیده و برای ضبط در دفتر سجل احوال با نظمییه یا شعبات نظمییه یا کدخدا تسلیم نماید و در آن و سایرین مزبور باید پس از تحقیق در صحت مندرجات ورقه عین آن را در اسرع وقت بدفتر سجل احوال بفرستد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - آقای حقانویس

حقانویس - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - یک مسأله آقای بامداد فرمودند حقیقه بنده خودم کم کم به شبهه افتادم. در اینجا نوشته است اگر کسی بخواهد زنش را عقد کند بعد از آنکه عقد نامه را نوشت و حاضر کرد بعد از آنکه بعد از نظمییه بنده خودم حاضر شاید اشخاصی هم که در شهرها باشند حاضر باشند ولی همان حرفی است که آقای بامداد گفتند باید دید این ماده در ملکات اجرا میشود و فایده دارد اجرا

حاضر کند و باید مردم را تربیت کند شما می فرمائید که بالاخره امروز مردم ما این طور هستند پس کی باید تربیت بشوند؟ بالاخره تمام اینها را که در مدرسه یاد بگیرند. در عمل باید یک چیز هائی یاد بگیرند.

در این جا اعتراضی که آقا فرمودند راجع باین قسمت که یک کسی عقد نامه اش را بر دارد نظمییه فقط این یک عیب را جلوگیری میکنند که یک زن چهار پنج نفر عقد بکنند بعدش ثابت کرد که این زن کیست. اگر این عیب قضیه است مسئله نیست و الا چه عیبی دارد وقتی نشاید کسی عقدی کرد سواد این عقد نامه اش را برد در نظمییه؟ اشکال ندارد آقا. بعلاوه عرض کنم قانون بالطبع بتدریج اجرا میشود و آن مقصود شما تأمین میشود زیرا امروز که شما این قانون را تصویب میکنید البته برای اداره سجل احوال ممکن نیست که یکمرتبه در تمام جاهای دور دست حتی بین دو دره خراسان شعبه سجل احوال را تأسیس کند و البته از مراکز شروع میکنند و کم کم درست می شود و همه یاد می گیرند و بالاخره بعضی هم که یاد نگرفته اند کم کم عمل میکنند و یاد میگیرند.

رئیس - آقای بهبهانی

بهبهانی - بنده تصور میکنم که در این ماده سوء تفاهم شده است و مراد این نباشد چون این نظر برای بنده هم آمد و خواستم استفسار کنم معلوم شد این نظر تقریباً برای همه آمده است و بنظر بنده در این ماده سوء تفاهم شده است. اینکه میگوید ورقه که حاکی از عقد باشد مقصودش سواد قبله نیست (وزیر عدلیه - صحیح است) مقصودش این است قبلاً که نوشته میشود یک ورقه هم که حاکی از وقوع اینکار باشد در ضمن نوشته شود که آن ورقه برای سجل احوال فرستاده شود عین قبلاً پیش زوجه ضبط میشود و آن ورقه هم اصل است سواد نیست چنانکه آقای وزیر عدلیه هم فرمودند آن ورقه حاکی از این است که آن ازدواج واقع شده و معرف زوجین است بنا بر این بنده هم اجازه خواسته بودم که برای

رفع همین سوء تفاهم يك سوالی کرده باشم که این جواب داده شود حالا هم اگر آقایان تصدیق میکنند معنی عبارت همین است اگر صلاح میدانند تصریح کنند

وزیر عدلیه - جوانیکه بنده دادم برای این بود که ایشان گفتند سواد عقد نامه را بفرستند بنده عرض کردم ثم مدافعا بفرستند هم چه خواهد شد؟ ولی اینجا همانطور که ملاحظه میفرمائید نوشته است ورقه که حاکی از وقوع عقد باشد و این یک جداگانه است غیر از عقد نامه. حالا هم ممکن است آقایان يك پیشنهادی فرمایند که مطلب واضحتر باشد

رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرضی ندارم

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بجای ورقه نوشته شود سواد مصدق مدرس - بنده از پیشنهاد خودم را پس میگیرم بجایش نوشته شود ورقه که حاکی از مضمون قبله باشد

وزیر داخله - همینطور نوشته شده نوشته ورقه که حاکی از وقوع عقد باشد

رئیس - ماده ششم (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۶ - در مورد فوت اطلاع دادن به ادارات یا مأمورین فوق الذکر باید در ظرف چهل و هشت ساعت بعمل آید. دادن این اطلاع بعهده نزدیکترین اقربای حاضر شخص متوفی و در صورت نبودن اقربای مذکور بعهده سرپرست یا کتین خانه و در صورت نبودن سرپرست بعهده مستخدمین خانه است که فوت در آنجا واقع شده و مأمورین باید پس از تکمیل تحقیقات در اسرع وقت مراتب را بمأمور سجل احوال اطلاع و اشخاص مذکوره در فوق را مطلع نمایند که برای اجرای ثبت واقعه بدفتر سجل احوال مراجعه کنند طبیب معالج و غسال و قبایله در موقع ولادت طفل متوفی با فوت مادر در موقع حمل نیز ملزم میباشند



در ظرف ۲۴ ساعت وقعه را کتباً بدفتر سجل احوال اطلاع دهند

تبصره ۱ - نسبت نفوس اشخاصی که دارای منزل ثابت و اقربای حاضر نیستند یا به تنهایی در يك منزل زندگی میکنند اجازات مأمورین فوق مکلف هستند مراتب را تحقیق و پس از تشخیص صحت واقعه در مرع اوقات فوت را بمأمور سجل احوال اطلاع دهند

تبصره ۲ - اشخاصی که در مؤسسات عام المنفعه فوت نمایند رؤسای مؤسسات مزبور مکلفند مراتب را در ظرف ۲۴ ساعت به مأمورین نظامیه یا کد خدا اطلاع دهند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده تصور میکنم در این امورات غالباً این بیچاره ها که پدرشان میمرد حالا دیگر حبس هم باید روند بحسب اینکه غالباً در این قبیل موارد تکلیف را برای چند طبقه معین کرده اند اول ردوه و سون و چهارم از يك حیث این خوب است و سبب توسعه است ولی از حیث دیگر این دسته خیال میکنند دسته چهارم اطلاع داده همینطور تا بآخر آنوقت پس فردا دولت میخواهد آنها را حبس کند کدام را باید حبس کند؟ از اول تا آخر اینها را باید حبس کند. آنوقت هم پدرشان مرده هم باید حبس بشوند بدتر از سجل احوال امروزه خواهد شد. اگر چنانچه مثل سایر قوانین در بوته اجمال نماند

مخبر - نمونده محترم البته بایستی اهمیت اطلاع از فوت را تشخیص بدهند که فوق لعاده لازم است هم از حیث تشخیص بعضی امور جزائی که ممکن است يك کسی در يك جنایتی فوت کرده باشد و هم از نقطه نظر تشخیص مازک، پس در اصل موضوع مخالفتی ندارید و باید تصدیق کنید که این امر خیلی لازم است و در این ماده يك اشخاصی را موظف کرده است بترتیب که این کار را بکنند و يك تسهیلاتی هم فائل شده اند که در درجه اول بزرگ عائله و اگر چنانچه بزرگتر نداشته

باشند ساکنین خانه را مکلف کرده است و اگر چنانچه آنها هم نباشند کدخدای محل را ملزم کرده است که اطلاع بدهد پس هیچ اشکالی نخواهد داشت و هیچ اجباب زحمت فراهم نمیشود و از نقطه نظر اهمیت به اطلاع فوت خوب است نماینده محترم هم موافقت فرمایند که اشخاص مختلف را موظف کنند که اگر یکیش را نباشد دیگری برای دادن اطلاع بماند

رئیس - آقای معاد

معاد - بنده با دادن صورت عقد نامه و طلاق ازدواج تمام اینها را بفرم علاج هم ندارد باید مردم آنها را این چیزها بشوند آرزو هم عرض کردم که با اساس لایحه بنده موافقت جز اینکه آقای وزیر عدلیه که خودشان حقیقه يك نفر دیگر در حقوق هستند باید بدانند که هر قانونی که از عادات و اخلاق عمومی متخذ نشود بعد از نظر گرفتن عادات آن عادات را قانون نکرده این قانون از میان می رود و جرائمش مشکل است بماند عرض نمی کنم محال است خیر اجرائش مشکل است قانونی که قابل اجراء است آن قانونی است که از عادات عمومی متخذ شود تا خوب شود آن دیبائی که در سایه قانون رقی کرده است از روی قانونی بوده که از عادات عمومی آن قانون را اتخاذ کرده بنده عرض میکنم اینطوری که شما این قانون را نوشتید قابل اجرا نیست میفرمائید که کسی که مرد باید حتماً اقربای او بنامند در ظرف چهل و هشت ساعت خبر بدهد. يك نفر يك اولاد دارد اولادش مرده است. این بد بخت دیوانه است و نمیتواند بیاید شما این را مکلف کرده اید که بیاید خبر بدهد حالا آن شخص نیامد شما يك نفر بزرگتر خانه را که فایده و اجمع میکند مکلف کرده اید آقا این خرس به کل نمونده است که آن موقع برود اطلاع بدهد بنده حرفی ندارم که دولت از این امور اطلاع داشته باشد ولی شما بیایید مأمورین خودتان را مکلف کنید که فوت را خبر بدهند شما اینجا مینویسید که قبله و طیب مکلف است که فوت را مطابق ترتیبی که نوشته است اطلاع بدهد شما بکنند

به وضعیت این مملکت نگاه کنید. طهران تنها را در نظر نگیرید. تبریز و اصطهبانات نامه يك طیب دارد که این طیب دوره میگذرد و يك خرجین دارد روی الاغش و از این ده به آن ده می رود و يك کسی که دلش درد میکند يك کل گداوزان به او میدهد يك نفر دیگر مریض است يك عرق نعنائی به او میدهد و از آن ده می رود مثلاً این طیب در اصطهبانات يك مریض دارد و معالجه اش کرده است و از اصطهبانات می رود و نا بجا دیگر برسد آن مریض اصطهباناتش مرده است، چطور او خبر بدهد؟ اینکه فرمودید که همه حرفها را نمیشود صریح گفت، خیر آقا درد را باید گفت تا علاج شود هیچ عیبی ندارد اگر بنده این جا بگویم که این مملکت متمدن ترین ممالک دنیا است فایده ندارد و بمن میخندند خداوند با نعماتی مجازات بدهد که نگذاشتند ما ترقی کنیم و جلو را گرفتند حتی نگذاشتند يك کسی از سرحد جلو نرود. اینطور با ما معامله کردند ما اینطور هستیم. چه باید کرد؟ شما اینجا قبله و طیب و مادر و پدر را مجازات میکنید که چرا اطلاع نداده اند، عیشود بنده باین قانون علاقه مندم و معتقدم که مملکت حتماً باید احصائیه داشته باشد ولی این قانون مانع احصائیه است و جلو گیری میکند از احصائیه والله بالله جلو گیری میکند، شما نگاه کنید که غیر از شهر های بزرگ کتاب اطباءش در چه حال است، نه تنها اطباءشان عبارت از همان عطار های دوره گرد هستند. بقول یکی از اطباء بزرگ میگفت که سابقاً عطار های ما طیب بودند و حالا طیب های ما عطار شده اند، آقا عطار های دوره گرد مملکت ما طیب هستند، اینجا نوشتید قبله آقا قبله کی است؟ کجا است؟ شما يك مریضخانه نسوان دارید در تمام مملکت ایران آن هم در طهران است، هفت هشت ده تا قبله بیرون داده است که يك نابله هائی گذاشته اند که قبله دیلمه هستند و سایر قبله ها عبارت از همان پیر زنهای یهودی و غیر یهودی هستند، در يك ده مثلاً هیچ قبله نیست و از يك دهی که چند فرسخی

امت میفرستند عقب يك قبله آن قبله می آید و بعد از تمام شدن کارش بری اینکه برود خرمنش را جمع کند فوراً بر میگردد خبر ندارد که دیگر این بچه مرده است، محیط شما این است، این حقایق است نمیشود حقایق را انکار کرد باید گفت و قانون باید مطابق عادات محیط نوشته شود و الا نتیجه ندارد.

مخبر - راجع به وضع قانون نمونده محترم فرمودند که قانون باید ناشی از عادات باشد، این ترتیب فقط در انگلستان معمول است که قانون ناشی از عادات است ولی در سایر ممالک اینطور نیست یعنی وسیله قانون فرادش را مقید میکنند به يك ترتیبی و تصدیق فرمایند نمونده محترم که اگر ما بخواهیم برای وضع قوانین رعایت عادات را کنیم و همیشه این علاقه را داشته باشیم هیچ وقت نباید قانونی وضع کنیم.

شیروانی - صحیح است برای اینکه عادات ما نجیب است مخبر - و اما راجع به مجازات که فرمودید البته باید اطلاع بدهند و اگر چنانچه اطلاع ندادند باید مجازاتی برای آنها معین شود زیرا که تصدیق میفرمائید که هیچ قانونی در دنیا بدون مجازات و سانسکیون نیست شما رقی يك اشخاصی را مکلف میکنید که فلان کار را بکنند باید مجازاتی هم برای آن معین کنیم در صورتیکه به آن تکلیف عمل نکردند آن مجازات را در باره آنها قائل شویم که ملزم باشد تکلیف خودش را انجام بدهد راجع به قسمت طیب فرمودید که در اغلب نقاط طیب نیست عرض میکنم که در قانون نوشته ایم طیب معالج یعنی آن طیبی که معالجه کرده است و الا اگر چنانچه در يك دهی يك کسی فوت کرد و يك طیبی معالج نبوده است و در يك نقطه ده فرسخی يك طیب باشد البته به آن طیب نمیگویند که تو مکلف هستی و بیا اطلاع بده ولی البته اگر يك طیبی يك کسی را معالجه میکند و آن شخص فوت کند باید آن طیب را ملزم کرد که خبر بدهد. در قسمت قبله فرمودید که قبله نداریم خوب اگر قبله نیست که تکلیفی برایش نیست



این جا نوشته شده است که يك فائده که در موقع وضع حمل حاضر بود مکلف است که اطلاع بدهد که این طفل مرده است یا این مادر در موقع وضع حمل فوت کرده است. در هر صورت بنده تصور میکنم که اگر توجه بفرمائید این اشکالات وارد نیست.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این چیزی خطری ندارد آقای شیروانی تقویت کردند فرمایش آقای سید محمد زاده و در ضمن يك چیزی خدمتشان عرض کنم که موقع تولد تركيب میشود از دو قبوه يك قبوه تجزیه يك قبوه میماند و مأمورین خودمان مکلف کنیم چه حق داریم مرده را مکلف کنیم؟ مأمورینی که مراجع خور ما است، وظیفه از ما میگیرند مکلف کنیم کسی که از ما واجب نمیکرد او را نباید مکلف کنیم. شیروانی - بل مکلف است از قوانین اطاعت نباید

آقا سید یعقوب - دولت نمیتواند افراد ملت را به يك تکلیفی مکلف کند چرا؟ برای اینکه قانون را ما وضع میکنیم که مأمورین مکلف باشند اجرا کنند ما هر که وظیفه خور است باید خور این کار باشد مگر ما مشرع هستیم؟ ما که نمیتوانیم تشریح کنیم که مرده مکلف به اجرا هستند، مأمورین باید مکلف باشند که فلان کار را بکنند و فلان کار را نکنند و اگر فلان کاری گفته شده است بکنند نکردند مجازات بهشان داده شود نه اینکه مرده را ما بیاوریم مکلف کنیم که اگر يك کسی در خانواده آن متولد شد فوت شده زنی واقع شد بیايند اطلاع بدهند و اگر اطلاع ندادند مجازات شوند ما باید این تکلیف را نسبت به مأمورین خودمان قائل شویم که هم قانون عملی میشود و هم به نتیجه رسیده ایم

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - عرضی ندارم

وزیر عدلیه - بلا بنده اصل عجبی را امروز از آقای آقا سید یعقوب که این سواقی که در کار دارند ندیدم و این ترتیب ظاهر کردند که میشود مردم را مکلف کرد قانون اصولاً جز در يك موارد خاصی که مأمورین را مکلف میکند بیشتر سر و کارش با مرده است و بعلاوه این يك مسئله است که باید در اصل آن وارد شد که آیا این طلاعات را لازم است دولت داشته باشد یا نه؟ اگر چیزی لازم است و شما هم عقیده دارید که لازم است باید دید وسیله میشود؟ و سزاوار است که مکلف میشود این است، مهم خیرات نکرده ایم در همه جای دنیا این طور معمول است که در این وسائل مانند مرده را مکلف میکنند که مأمورین را لازم است اطلاع را بدهند بنده در این جا داخل دولت آقای بامداد نمیخواهم شوم جواب آقای آقا سید یعقوب را عرض میکنم که راهی است که برای این کار در عرض ملاحظه شد و بالاخره این بهترین راه در نظر آمد که در هر چه نای قابله و طبیب و شخصی را که مباشر این کار هستند مأمور کنند که اطلاع بدهند در موضوعی هم که آقای بامداد فرمودند این ترتیب بهتر است آن عملی تر و بهتر است که ایشان در نظر دارند پیشنهاد کنند و آن پیشنهاد هم بود و مطالعه میکنیم اگر عملی بود البته طرف قبول واقع میشود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای بهبهانی

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مدت اطلاع در ماده ۶ بکفته قرار دهند

رئیس - ماده هفتم

(مضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۷ - پس از یکسال از اجرای سجل احوال در هر محل کسانی که ورقه هويت نداشته باشند یا تکالیفی را که در مواد ۱ - ۴ - ۵ - ۶ در عهده آنها قرار گرفته انجام نمایند محکوم به حبس از يك تا هفت روز یا جزای نقدی تا پنج تومان و در صورت ادامه و تکرار از هشت

روز تا یکماه حبس یا تأدیبه جزای نقدی پنج تومان و يك قران تا پنجاه تومان خواهند شد.

تبصره - مأمورین سجل احوال موظفند برای تعقیب متخلفین از مقررات فوق مدعی العموم مراجعه نمایند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - آقای زعیم

زعیم - عرضی ندارم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده با این قانون کاملاً موافقم ولی ماده ۷ و ۸ این قانون در کمیسیون بعقیده بنده يك قدری بدون مطالعه تنظیم شده است، این ماده هفت بیشتر تماس پیدا میکند با شخصی که در دهات هستند و راجع به این بحث و بیچاره هستند که آنها موفق نمیشوند که بعد از آنکه این قانون گذشت و بموقع اجرا گذاشته شد ورقه هويت و سجل احوال برای خودشان بگیرند و بیچارهان جریمه هم برای آنها خیلی مؤثر است و نمیتوانند چرایی که برای متخلف در نظر گرفته شده است تأدیبه کنند پس باید قانون را طوری نوشت که وسائل اجراء و پیشرفت آن فراهم باشد. شخصی که در شهرها هستند البته بعضی اینکه اداره سجل احوال دائر مدعی آید و ورقه سجل احوال میگیرند و ایشان هیچ اشکالی ندارد ولی در دعوات و بیلاقیات که این قانون البته باید بموقع اجرا گذاشته شود مردم را دچار زحمت میکند، يك کسی اطلاع پیدا نمیکند و موفق نمیشود که بیايد ورقه سجل احوال بگیرد اگر نخواهد حبسش کنید یا پنج تومان از او بگیرید این البته برخلاف عدالت است. عقیده بنده این است که باید این ماده طوری در موقع شور دوم در کمیسیون اصلاح شود و بقدری تسهیل کنید که برای این نوع اشخاص تولید اشکال شود

وزیر داخله - برای اطلاع نماینده محترم عرض میکنم که در شهرها هم منظور است که دزات سجل احوال يك مرکزی دارد و مردم باید بروند آنجا ورقه هويت بگیرند ولی در دهات مأمورین سجل احوال سیداند و گردش میکنند و مأمورین سجل احوال مکلف هستند که دهات گردش کنند و دفتر سجل احوال را بگذارند و به اهالی ورقه هويت بدهند و هیچ اشکالی نخواهد داشت

رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم که این ماده برای چیست؟ این ماده برای این است که مرده مجبور بشود سجل احوال بگیرد. فلسفه این ماده این است که ناچار شود بنده از ترس این ماده پنج تومان و سه روز حبس بروم ورقه سجل احوال بگیرم. عرض میشود ما باید این ماده اصلاً محتاج نیستیم برای اینکه در ماده سه در مورد تمام معاملات را موقوف به داشتن ورقه سجل احوال کرده اند و هیچکس نیست که به يك نحوی از اجراء بدولت سرکار نداشته باشد یا مالیات میدهد یا عرضحال دردد و یا می خواهد حکمی را اجرا کند یا ثبت اسناد دارد. بنظرمیه مراجعه میکند و بطور کلی کسی نیست که بد يك نحو از اجراء بدولت سرکار نداشته باشد و شما شرط کرده اید که در تمام این امور باید ورقه هويت داشته باشد جز در يك موارد فوری که عرضحال را قبول میکنند آنها هم در ظرف ده روز باید ورقه اش را بیاورد پس بنا بر این شما در این ماده يك کاری کرده اید که بالاخره بعد از دو سه سال هیچکس نیست که ورقه سجل احوال نداشته باشد و بهترین طرز اجرای يك قانون هم همین است شما هیچ فشار نیارزید و مجازات هم نکنید فقط میگوئید من که دولت هستم با آدم مجهول الهویه طرف معامله نیستم آمده ای میگوئی ملکم را ثبت کن حرفت حسابی است ولی تو که هستی من تو را نمیشناسم حسنی؟ حسینی؟ من تو را نمیشناسم سجل احوالت کو که من بدانم آن شخص تو هستی، این کار خیلی خوب است و سبب میشود که



مردم مجبور شوند زودی سجل احوال بگیرند پس وقتی که شما این کار را کردید دیگر این مجزاتی که معین شده زیادی است و مورد ندارد و این عملی که در ماده دوم شده است مثل آن افسانه‌های ما است که نعل در آتش می‌گذاشتند و آن کسی که به اسمش نعل در آتش گذاشته بودند سراسیمه می‌آمد وقتی که ازش می‌پرسیدند چرا آمدی میگفت نمیدانم همه جا آتش گرفته بود جز این يك راهی که من آمدم. حالا شما هم همه راه را بسته اید و يك راه فقط باز است و آنهم راه اداره سجل احوال است و پس از سه چهار سال مطابق آن ماده بکنفر نیست که سجل احوال نداشته باشد خدا میداند که همیشه ورقه سجل احوال خواهند داشت چون هیچ کس نیست که طرف معامله با دولت نباشد، شما این جا می‌گویید که بعد از یکسال باید سجل احوال بگیرند و اگر نگرفتند پنجتومان جریمه میشوند با هفت روز حبس بنده میدانم شما در این کار حسن نیت دارید و در طهران هم ممکن است اینطور باشد اما يك مأمور بازرده تومانی یا هیجده تومانی بیست و پنجتومانی که با يك عائله مأمور خوزستان یا کردستان میشود با مردم چه کار خواهد کرد؟ بعد از یکسال هر کس دم نظرش رسید میگوید سجل احوال داری یا نه. آن شخص می‌گوید سجل احوال چه چیز است، مأمور میگوید آن قانونی که از مجلس گذشت و حالا چون ورقه سجل احوال نداری بیا پنجتومان بده یا حبس شو، بنده عرض میکنم که با ماده دوم مقصود شما حاصل میشود و این ماده اسباب زحمت مردم خواهد شد.

مخبر - در شهر طهران چند سال قبل قانون سجل احوال را شروع کردند به اجراء و تمام وسائل را هم اتخاذ کردند برای اینکه سجل احوال گرفته شود ولی چون مجزاتی نشد و هیچکس را برای اینکه متخلف از مواد قانون بوده است مجازات نکردند هنوز شاید عده زیادی در طهران هستند که ورقه سجل احوال نگرفته‌اند یا اینکه طهران مرکز و سر و کار مردم با ادارات دولتی

زیادتر از تمام افراد مملکت است. البته تصدیق میفرمائید که عده زیادی از مردم هستند که با ادارات کاری ندارند نه ملك دارند که برای ثبت اسناد بروند نه دعوی دارند که بد عذاب رجوع کنند و بالاخره اگر شما نظرتان این است که قانون سجل احوال در تمام مملکت اجرا شود و تمام مردم ملزم شوند به داشتن سجل احوال و دولت احصائیه تمام مردم را در دست داشته باشد هیچ چاره نیست جز اینکه يك مجزاتی قائل شویم برای اشخاصیکه متخلف از قانون هستند و بدون مجازات امکان ندارد بشود این قانون را اجرا کرد، آقا میفرمائید بدون مجازات اجرا میشود، بنده عرض میکنم اگر چنانچه متخلف پیدا نکردیم و همه رفتند و ورقه سجل احوال گرفتند دیگر مجازات نمیشود و مسئله اجرای مجازات هم نسبت به نگرفتن ورقه سجل احوال این قدرها سهل نیست که يك مأمور فوراً از کسی که سجل احوال نگرفته است مطالبه جریمه کند خیر باید مدعی العموم اداره سجل احوال در محکمه اقامه دعوی کند و محکمه برای اجرای مجازات حکم صادر کند. پس جنابعالی میتوانید کاملاً مطمئن باشید که هیچگونه اسباب زحمتی برای کسی تولید نخواهد شد و اینجا هم مثل سایر موارد که برای حفظ نظامات يك مجزاتی قائل شده ایم و این همه تشریفات هم برای این است که اگر کسی تخلف کرد مأمور سجل احوال حق ندارد خودش مجازات کند بلکه باید بمحکمه رجوع کند و وسیله محکمه مجازات معین شود.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی مو ققم.

رئیس - آقای حاج شیخ بیات

حاج شیخ بیات - اصولاً بنده با این ماده و ماده هشت مخالفم و اساس تغییر قانون سجل احوال هم از نقطه نظر این دوسه ماده اش است و الا قانون سجل احوال سابق قانون خوبی بود و محتاج باصلاح نبود، اینجا آمده اند و در ماده هفت يك مجزاتی سختی برای اشخاص قائل شده اند در

حالی که بنده معتقدم که جلو مأمورین را این اندازه باز کردن نسبت به مردم فوق لعنه تولید زحمت خواهد کرد علاوه بر این در ظرف یکسال از تاریخ تصویب این قانون باید عموماً ورقه سجل احوال داشته باشند ملاحظه بفرمائید يك مأمور سجل احوال فرزند وارد میشود توی يك دهی اگر نیمساعت از بیست و چهار ساعت گذشته باشد آقا نیمساعت مطابق قانون گذشته است و توفوت را مثلاً خبر نداده اید یا بیا پنجتومان بده یا اینکه مطابق قانون فلاقدر حبس باید بشود اصلاح قوانین ما غالباً اینطور است آقا تمام بدخنی‌هایی که در مملکت ما هست واسطه داشتن مأمور صحیح العمل است به این مناسبت هر قانونی را که ما وضع میکنیم بواسطه مجزات نشدن مأمورین و نبودن مأمور صحیح العمل خیال میکنم که قانون يك معایبی دارد و باید دو مرتبه يك قانونی نویسیم این ترتیب اصلاح این قانون نیست اگر آقایی میخواهند در این قانون اصلاحاتی بکنند بهتر این است که مأمورین خودشان را در صورتیکه از وظیفه شان تخلف کردند در نحت مؤاخذه در آورند و الا اگر هر قانونی را به دست این مأمورین بدهید بنده به شما اطمینان میدهم که خوب اجرا نمیشود و همین قانون سجل احوال را هم که اصلاح میکنید اگر مأمورین را مجازات نکنید بنده قول میدهم که سجل احوال در این مملکت توسعه پیدا نکنند فقط مایه پول گیری مأمورین خواهد شد و يك عده مأمورین که به ولایت خواهند رفت اسباب زحمت مردم خواهند شد جریمه را میگیرند و يك دفعه هم به مدعی العموم مراجعه خواهند کرد بنده خودم در سال گذشته در موقعیکه از عراق مراجعت کرده بودم اینجا شرح مبسوطی اگر نظر آقایان باشد خدمت آقایان عرض کردم در همان موقع يك مأمور سجل احوال شش هزار تومان از مردم پول گرفته بود رفت بی‌کارش نمیدانم کجا پناهنده شد بالاخره شما قانون را اگر برای اصلاح حال ملت مینویسید باید مجازات برای مأمورین قائل شوید بهترین مجازات او

بهترین اصلاح قانون مسئولیت مأمورین است در مقابل قانون نه اینکه مردم بدبخت هر کجا بایشان را نکالت دادند فوراً مجازات شوند که چرا در بیست و چهار ساعت اطلاع نداده ای از این گذشته شما می‌گویید قبله باید فوراً باید اطلاع دهد و اگر اطلاع نداد مجازات شود. آقا بکنفر قبله که در ظرف سی روز دو مرتبه هر دفعه چهار قران می‌گیرند و قلمکی میکنند ما باید حساب بکنیم که این را جریمه بدهد فردا میرود عقب کارش و می‌گوید من دیگر قبلکی نمیکنم. فلان طبیب که در فلان دهه می‌بست توعمان هم گیرش نمی‌آید یکمرتبه که تعقیبش کردید و مجازاتش نمودید دیگر عقب طبیب نمی‌رود. در تمام دنیا قانون را برای تسهیل حال مردم مینویسند. در ژاپون شنیده‌ام صبح‌ها طبیب تکلف است بیاید در خانه مردم و بگوید امروز مریض داری یا نه سر کسی درد میکند یا نه؟ وضعیت مالك متمنه این است شما دارید تمام تکالیف را در مملکت برای افراد مردم درست میکنید ولی مأمورین هر چه کردند کردند.

رئیس - آقای عمادی

عمادی - اینکه فرمودید اسباب زحمت و تعرض ضعفی ملت میشود. البته ذبت کردن ملت غلط است و ما باید آنها را حفظ کنیم و وسائل حفظ و نگاهداری آنها را فراهم کنیم و یکی از بزرگترین وظایف ما پس از وضع قانون همین است و البته این نکته را باید مراعات کرد اما آقای حاج شیخ هم توجه میفرمائید که اگر این نکته نباشد اجرا در اصول قانون موضوعه نخواهد شد این نکته را آقا ملاحظه بکنند که قوانین موضوعه در مرتبه اجرا البته نفوس عادیه از برای اطاعت حکم متفرند ولو احکام الله هم باشد.

بعضی از نمایندگان - صحیح است. صحیح است عمادی - این طبیعی است جهاد می‌روند حج می‌روند نمی‌از منکر دنیای برای چیست؟ اینجا فقط باید يك



نکته را ملاحظه کرد و آن این است که سوء استعمال نکنند...

بعضی از نمایندگان - صحیح است  
عمادی - اگر چنانچه دستش نمیرسد با مامورین بخواهند سوء استفاده کنند البته باید مجازات شوند.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - پیشنهادات خوانده میشود  
(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای ملک مدنی

ماده هفت را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد میباید  
پس از يك سال از اجرای سجل احوال در هر محل کسانی که ورقه هویک نگرفته اند محکوم پرداخت پنجاه هزار نقد یا یکروز حبس خواهند بود

پیشنهاد آقای بهبهانی

در ماده هفت پیشنهاد میباید در سطر اول صفحه شش بجای محکوم بحبس الی آخر نوشته شود محکوم به جزای نقدی از يك الی پنج تومان خواهد شد.  
پیشنهاد آقای بامداد

پیشنهاد میکنم: چون ماده دو برای مقصود کافی است حذف ماده هفت را پیشنهاد میکنم.

پیشنهاد آقای باستانی

بنده پیشنهاد میکنم در آخر تبصره ماده هفتم علاوه شود و در صورت نبودن مدعی العموم مامورین سجل احوال مستقیماً در محاکم صالحیه اقامه دعوا خواهند کرد.

رئیس - ماده هشتم

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده هشتم - اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکتی حق دارد که از تاریخ تصویب این قانون تا دو سال اوراق اظهار نامه و هویتی را که قبل از تصویب این قانون داده شده و آنها را محتاج به تصحیح میدانند تجدید نظر کرده با اطلاع صاحب ورقه هویت تصحیح نماید و همچنین اشخاص ذینفع اگر اعتراضی بر اوراق

صادره دارند میتوانند در ظرف دو سال فوق به اداره سجل احوال رجوع کرده و اعتراض خود را اظهار نمایند و اداره مذکور اگر اعتراضی را وارد دید اوراق را با اطلاع شخص معترض تصحیح خواهد نمود

تبصره - اشخاص ذینفع اگر اعتراض بر تجدید نظر و تصحیحی که اداره سجل احوال در اوراق کرده داشته باشند میتوانند تا دو ماه پس از تصحیح و صدور ورقه هویت جدید به محکم صالحه مراجعه نمایند

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرضی ندارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا در این ماده باید اینک در سابق يك ورقه هائی به مردم داده شده و در دست مردم است در واقع يك حقی میدهد به اداره که میتواند تجدید نظر در آنها کند. عقیده بنده بر خلاف این است و عقیده ام این است که در اوراقی که در سابق داده شده است کان لم یکن باید قرار داد و این قانون از حلاً بموقع اجرا گذاشته شود و این ماده بکلی از بین برود و بعد از گذشتن این قانون از حلاً شروع کنند و اوراق سجل احوال چون مجانی داده میشود مردم از نو بگیرند و دیگر نگرند عقب آن کاغذ کهنه ها زرد اگر باز بخواهیم برگردیم عقب آن اوراق سابق اسباب اشکال برای مردم و ادارات میشود. اگر آقای وزیر داخله هم بایند موافقت کنند که ماده از بین برود و بکلی آن اوراق سابقه را کان لم یکن فرض کنند و از نو بگیرند خیلی بهتر است.

وزیر عدلیه - آقایان در خارج هم بایند مذاکره کردند. البته اگر بنا باشد يك همچو تصمیمی هم گرفته شود باید نسبت به اشخاصی که بموجب اوراق سجل احوال به سن سربازی رسیده اند و وارد خدمت شده اند يك فکری کرد و الا نمیشود آن اوراق را بکلی باطل کرد در هر صورت چون شور اول است ممکن است آقایان نظرشان را پیشنهاد فرمایند بعد در

کبسیون به يك ترتیبی آنرا درست کنیم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - آقایان رفقا اگر نظرشان باشد مدافع جدی این قانون در دوره پنجم بنده بودم و عقیده بنده هم این است که مهم ترین قوانین برای تشکیل نظام يك جامعه امروز در دنیا قانون سجل احوال است و اگر هم بعضی جاهایش يك قدری برای مردم سنگین باشد به عقیده بنده آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان هم که برای مردم دلسوزی میکنند باید با این سنگینی موافقت کنند که تحمل بشود تا بالاخره جامعه نظام پیدا کند. تمام بدیهائی که در مملکت ما هست بواسطه نبودن نظام اجتماعی است عرض کنم قانون سجل احوال خیلی جاهایش سنگین است تنها آن قسمتی را که حضرت عالی فرمودید راجع به عقد و طلاق و غیره نیست خیلی چیزهای سنگین است و هیچ قسمتش هم مربوط به مامورین نیست مربوط به جامعه است و تمام افراد هم مکلف هستند اطاعت کنند زیرا این از تکالیفی است که برای جامعه معین میشود و بایند آن تکالیف هم اجرا شود و مهم ترین آنها (نظام اجباری) نظام وظیفه است. يك معاصی هم ولو خیلی مختصر که در قانون گذشته بود در آن هم حرفی نیست ولی به عقیده بنده آن قانون خیلی جامع بود و هیچ لازم نبود بطور کلی عرض شود و يك قانون جدیدی بیاید به مجلس و ممکن بود آن معاصی کوچک را رفع کرد ولی آوردن این قانون برای رفع آن معاصی کوچک نیست موضوع آوردن این قانون به مجلس مخصوصاً از نقطه نظر ماده هشت و نه است.

استرابادی - و ماده يك

شیروانی - خیر ماده يك هم چیزی نیست. ماده هشت و نه بالاخره يك اجازه مطلق است به مامورین سجل احوال که تمام آن چیز هائی را که مردم خودشان مکلف هستند برای خودشان تشخیص بدهند مامورین تشخیص بدهند. در هر موقع یعنی اگر مامور سجل احوال

به آقای آقا سید یعقوب گفت شما هیجده سالن است این حق ندارند حرفی بزنند مگر اینکه بروند به محکمه ثابت کنند. یا اگر من گفت شصت سال داری حق ندارم حرف بزنم. در این قانون اجازه داده شده است که تمام قسمت های سجل احوال از قبیل عقد، طلاق، تولد، مردن، و غیره تمام تصحیحش با مامور سجل احوال است. مأمور سجل احوال حق دارد بگیرد شما شش تا اولاد دارید هر چه بگوئید من پنج تا اولاد دارم میگوید شش تا اولاد داری و دوازده تا باید بیایند مستخدم بشوند و این خیلی خطرناک است. اینجارجامع به مامورین يك حرفهائی گفته میشود که بنده هم عقیده دارم که مامورین خوب نداریم ولی بکوقت گویا آقای وزیر عدلیه بودند که صحبت اشخاص بود برای تشکیلات عدلیه با چیزهای دیگر که بنده میگفتم باید اشخاص خوب پیدا کرد ایشان میگفتند شما سه نفر را دنبال هم بشمارید که بیاوریم جای این بدها بنده هم حقیقتاً عاجز شدم. اصلاً در مملکت نداریم شما هر قدر قانون را خوب بنویسید وقتی مجریش باشد آن قانون بد میشود ما که نمیتوانیم فرشته از آسمان بیآوریم از سایر ممالک هم که نمیتوانیم مامور جمع آوری کنیم فقط باید در قوانین لا اقل این را رعایت کرد يك روزنه های خیلی وسیعی بدست مامورین ندهیم الان مامورین سجل احوال و سایر مامورین که کارهای سجل احوال را انجام میدهند از دوازده طهران که بیرون میروند خودشانرا قدری مطلق العنان میدانند که احتیاج نیست دیگر يك ماده برای مطلق العنان کردن آنها وضع کنیم. الان اختیار هر چیز با مامور سجل احوال است و هر طور دلش بخواهد تعبیر میکند آنوقت يك همچو ماده کش داریم میخواهید بدستش بدهید شاید آقایان قبل از این عرایض بنده درست دقت فرموده اند حالا درست دقت بفرمایند که این چه حفره وسیعی است که مامور سجل احوال هر قسم دلش بخواهد میتواند عمل کند. بنده عقیده ام این است همانطور که خوشبختانه آقای وزیر عدلیه هم موافقت فرمودند باید



بیشتر در این ماده تبادل نظر نمود و يك پیشنهاد جامعی که خیلی هم ظرفیت مسدود باشد برعکس این ماده پیشنهاد شود که مأمورین نتوانند از آن تجاوز کنند. در اینکه اوراق باید تصحیح شود آراء بنده هم تصدیق میکنم اوراق غلط خیلی صادر شده. بنده اطلاع دارم يك نفر که دو تا ولاد یکی شانزده ساله و یکی شش هفت ساله داشته هر دو را بیست و شش ساله قاصداً کرده و ورقه صادر کرده است برای خودش و زانس و اولادش همه ورقه بیست و شش ساله صادر کرده است و من به او گفتم قانونی برای اصلاح این ترتیبات میکند شما هم بروید اصلاح کنید. در هر صورت اوراق این طوری در شهر طهران خیلی صادر شده و نباید اختیار این کار بدست مأمور سجل احوال که زیر اشل است و توصیه شده است به وزارت داخله گفته اند ما همی هیچجه تومان مأمور سجل احوال بشود داده شود. شما چطور میتوانید بيك چنین آدمی اختیار بدهید. مخصوصاً که در بيك قسمتش تصریح شده است که تشخیص سن با او است. گویا در تبصره عده مهم است. بنده معتقدم که دید در اینجا تصریح شود: اولاً مأمورین حق داشته باشند اعلان کنند که اوراق صادره را مردم بیاورند برای تصحیح. و مردم را مکلف کنند که در بيك مدت معینی بيك سال دو سال شش ماه هر مدتی که مقتضی است مردم اوراقی که در دستشان است بآدره سجل احوال بیاورند برای تصحیح. و در صورت بروز اختلاف از هر طرف طرف دیگر مراجعه بحاکم مربوطه بکنند یعنی اگر مأمور سجل احوال مدعی است که این ورقه غلط است از مجرای مدعی العمومی قضیه راتعقب کند و محکمه صلاحیت دار تشخیص بدهد و ورقه را تصحیح کند و اگر بعد از آن مدت ورقه غیر صحیحی در دست مردم بود دارند ورقه قابل مجزات است و اینهم بيك راه حلی است که در روز بنده در خدمت آقای وزیر بافای رئیس اداره سجل احوال هم عرض کرده و گفتم که این قانون مخالفی ندارد و خواهد هم

گذشت ولی ماده هشت و نود این قانون باید يك ترتیبی واقع شود که اختیار نه و نهم دست فلان مأمور تنها نباشد. ایشان گفتند من شخصاً بنظور تشخیص کرده و مفتش هم فرستادم. بنده هم تصدیق میکنم که آقای رئیس سجل احوال بيك صر بسیار با کدام صحیحی است بيك مأمور خیلی لایقی است و از روزی که شروع کرده است بيك خیلی تغییرات پیدا شده است ولی این دائمی نیست منافقانه در مملکت فقط الرجال ما بيك وقت بيك کار مهم نری پیدا میشود که آقای رئیس سجل احوال مأمور انجام آن کار میشوند و دیگری بجای ایشان کنییل میشود و در ظرف مدت دو سه ماه کفالت بگذرد کافی است که تمام کارها بهم بخورد. نباید کارها قائم به اشخاص باشد اوضاع باید قائم به بيك اصولی باشد که هر شخصی در رأس آن واقع میشود آن اصول را اجرا کند. علاوه مأمور جوشقان خیلی با رئیس سجل احوال فرق دارد هر قدر هم آقای رئیس سجل احوال خوب باشد مأمور جوشقان هیچجه تومانی آنجا را خراب میکند و مردم را دچار محضه مینماید استدعا میکنم آقای وزیر عدلیه که خودشان روح قوانین بهتر اطلاع دارند و همینطور آقای وزیر داخله که حسن نیت دارند و آقایان موافقین و مخالفین موافقت کنند که این دو ماده را طوری اصلاح کنیم و دو سه روز مدت قانونی کمیسیون هم گذرد که بیاوریم در مجلس برای شور دوم بيك ترتیب صحیحی رای بدهیم.

مخبر - عرض کنم نظر به اینکه شور اول قانون است و بی اینکه در شور اول ما از نظریات آقایان مطلع باشیم که با نظر آقایان هر نوع اصلاحی لازم است برای شور دوم بنمائیم که تکراری برای آقایان نباشد خوب است آقایان شیروانی و هر بيك از آقایان اصلاحاتی در نظر دارند پیشنهاد بفرمایند در کمیسیون در آنها مذاقه می شود هر کدام صلاح بود البته قبول و اصلاح میکنیم.

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده تصور میکنم آن نظریه که دولت داشته است از نوشتن این ماده پس از گذشتن

این ماده هم از مجلس موفق نشوند آنطور که نظر دولت است اجرا کند. اصلاً مأمور سجل احوال از روی چه اصلی تشخیص میدهد فلان شخصی که ورقه سجل احوال گرفته بیست ساله است یا هیچجه ساله بيك سوابقی که در دست نیست که مأمورین سجل احوال میتوانند از روی آن سوابق اوراق را تصحیح کنند. بر خلاف آقای شیروانی که میفرمایند اوراق را باید تصحیح کنند بنده عقیده ام این است اگر نخواهند دست به اوراق صادره زنند جز اینکه اسباب زحمت مردم بشوند نتیجه دیگری ندارد. بفرض اینکه بيك عده اشخاص هم مشمول نظام وظیفه شده اند بيك اوراقی صادر کرده اند که حالا معاف میباشد. البته هر قانونی هم در ابتدای اجرائش بيك استثناء هائی داشته است حالا ما خیال می کنیم قطعاً هم اینطور بوده است و بيك اشخاصی رفته باشند و اوراقی صادر کرده باشند این هم یکی از قوانین است و باید با بيك تسهیل و رضائی مردم را آشنا کرد که فرار نکنند و بنده اطلاع دارم الان دو سال است در ملایر قانون نظام وظیفه اجرا شده است خیلی هم اوراق داده اند و بعضی اشخاص هستند مشمول نظام شده اند فرار کرده اند رفته اند اساساً پیدایشان نیست مأمور رفته است نشسته است آنجا پدرش گرفتار است در صورتیکه نمیتواند پسرش را پیدا کند حقیقتاً باید طوری کرد که مردم بتوانند بیاورند البته این وظیفه ملی است ولی طرز اجرائی طوری شده است که مردم فراری شده اند و بعقیده بنده اگر این ماده هم بگذرد در حین اجرا دچار اشکال خواهند شد به این جهة بنده عقیده ام این است که این ماده بکلی حذف شود وزیر عدلیه - بنده خواستم خیلی به اجمال در مقابل اعتراضات آقایان صحبت کنم چون شور اول است و البته اگر آقایان هم پیشنهاد های عملی دارند میدهند و در کمیسیون در اطراف آن بحث میکنیم ولی بنده می بینم مکرر در صورتیکه تذکر داده شد که اگر آقایان پیشنهاد هائی دارند بفرمایند بيك تذکری هم بدهند که

برود به کمیسیون آقایان بیاناتی میفرمایند و اغلب تکرار میشود بنده هم ناچار شدم بیشتر توضیح بدهم اولاً اینکه میفرمایند اسباب زحمت مردم میشود این قانون مثل سایر قوانین بيك تکلیفی برای مردم می آورد و البته تکلیف هم اسباب زحمت است مخصوصاً این قانون چون این قانون میرسد به نظام اجباری یا نظام وظیفه یا نظام عمومی که بالاخره مردم را از تنبلی و لاقیدی و بی قیودی خلاص میکند. البته هر کس خوشتر دارد که در منزل خودش بنشیند تا برود دو سال خدمت کند. چرا باید این را از خودمان پنهان کنیم آنوقت هر تشبیه را مشروع می داند که از این وظیفه که همه دنیا و در اینجا هم عقلائی قوم تصدیق کرده اند و به عقیده آقایان هم بيك وظیفه مقدسی است فرار کند. و البته اسباب زحمت هم بزیاست است آیا میشود گفت عوض دو سال خدمت در سرباز خانه اگر در خانه بنشینند راحت تر نیستند؟ البته راحت ترند. اصل مسئله این است و ما هم اشکالاتی که داریم سر این است و علت این تصحیحی هم که تقاضا کردیم سر همین بود. حالا در اینکه وقتی سجل احوال شروع شد مأمورین بيك بی مبالانی هائی کردند بنده هم تصدیق میکنم بعد هم مواقع انتخابات سجل احوال زیاد تر گرفته شد و سن ها زود بالا برده شد بعد وقتی که موقع سرباز گیری آمد اصطلاح باد زخم ها خورد و ملتفت شدند که دنباله هم دارد آنوقت چه کار کردند؟ شروع کردند بدادن عرض حال بمحاکم و اگر بنا باشد همین طور این رویه را پیش بگیرند این عدلیه که هیچ. پنج برابر این عدلیه را باید قائل شد که بتواند همین موضوع تنها رسیدگی کند از یکطرف واقعاً اوراقی هست که غلط است یعنی حقیقتاً بيك بچه هفت ساله گاهی هم شده است در سجل احوال بیست ساله شده است یا اگر هفت ساله نباشد اقلاً پانزده ساله است و در ورقه سجل احوالش بیست ساله شده است و بالعکس البته بيك چنین اوراقی فراوان است و باید هم تصحیح شود اما با این ترتیب که میفرمایند ما تمام



کار هائمان را باید بگذاریم زمین و رسیدگی کنیم باین تصحیحاتی که قانون اجازه داده است بشود. اما اینجا در نظر گرفته شده که وقتی اداره سبج احوال برخورد بیک مشکلاتی فکر کند و بک راه حلی پیدا کند و اگر نتوانست آنوقت مراجعه کند بمحاکم که به بکلی اداره سبج احوال مختار باشد و نه اینکه تمام این دعاوی برزد در عدلیه و جلوی کار های دیگر را بگیرد بنا بر این بیک مدتی ممتن شده نه اینکه بیک کسی بگذارند و شش سال بعد که موقع سر بازیش شد آنوقت بیاید و اعتراض کند خیر دو سال قرار گذاشته اند که اگر در ظرف دو سال حرفی دارد بیاید و بگوید که من بیک ابرادی دارم و ورقه سبج احوال را تصحیح بکنند که بیک مرتبه تمام بشود تا بیا بعضی تصحیحات هست که خیلی واضح است مثلاً وقتی بیک آدم پنجاه ساله را فرضاً نوشته اند بیک سال دارد خود اداره سبج احوال می داند که این را باید تصحیح کرد دیگر این ضرورت ارجاع بمحاکم عدلیه را ندارد. حالا او آمد و نکرد می نویسد اگر کسی برای تصحیح اعتراضی دارد برود عدلیه و این بیک مرحله مقدماتی دارد اوراق اعتراضیه مخصوصاً از حیث سن یکی و دوتا و ده تا نیست بنا بر این اطلاعی که اداره سبج احوال میدهد اصلاحی نبود در بعضی از نقاط اوراقشان خراب است حالا شما اگر بخواهید تمام آنها را ببرید عدلیه و اقامه دعوی کنید میدانید چه میشود و چه قدر جلوی کار ها را خواهد گرفت؟ لهذا ما گفتیم که این تصمیمات دو جور است بیک قسم تصحیحاتی است که وقتی خواستند بکنند طرف قبول می کند که این را خود اداره تصحیح میکند بیک قسم تصحیح هم هست که طرفین اختلاف دارند اداره می خواهد تصحیح بکنند طرف میگوید قبول ندارم آنوقت است که باید برود بمحکمه. خوب بنده نمیدانم این چه اشکالی دارد؟ این جامی نویسد شخصی که ورقه اش را می خواهند تصحیح کنند اگر اعتراضی دارد در ظرف دو ماه بعد از اخطار باو باید برود عدلیه و عرض حال

بدهد. ولی بیک تصحیحاتی است که ممکن است بکنند بدون اینکه آن شخص هم اعتراضی داشته باشد. این که اشکالی ندارد. می فرمایند زحمت دارد بنده عرض میکنم که این زحمت مردم لابد از جهت قانون نظام است و این زحمت را بهر قیمتی که هست و بهر قوه که هست باید در این مملکت وارد کرد ولو اینکه داخل در عادتش نیست آقای بامداد...

بامداد - سلحشوری جزو عادات ایرانیان بوده است. وزیر عدلیه - نه نه آقا جان: اشتباه نکنید. نظام اجباری نبوده است. بی تفنگی که در دست خودش باشد و به نهائی و در هر موقع بتواند راهزنی کند آزارنده هم تصدیق دارم. حالا با وجود تمام این مقدمات آقایان اگر بیک نظر حلی دارند با اینکه همه هم تصدیق دارند که باید این کار را بیک سر و صورتی بهش داد خوبست پیشنهاد بفرمایند و نظریاتشان را بدهند برود بکمیسیون (که زود تر تشکیل خواهد شد) ما هم حاضر میشویم آقایان هم حاضر میشوند و با شور هم بیک چیزی در آنجا تهیه میکنیم والا هی تکرار کردن جز وقت گرفتن نتیجه دیگری ندارد

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - پیشنهادات قرائت میشود ( این قسم قرائت شد )

پیشنهاد آقای اسفندیاری

ماده ۸ را بنده باین ترتیب پیشنهاد میکنم در هر نقطه اداره سبج احوال تجدید نظر را لازم میدانند کلیه اوراق صادره قبل را باطل نمایند و ورقه جدید بدهند ولی اشخاصی که قانون نظام وظیفه شامل حال آنها شده و مشغول انجام وظیفه هستند از این ماده مجزی میشوند پیشنهاد آقای باستانی:

بنده تبصره دوم را پیشنهاد و ماده ۸ اضافه می کنم:

تبصره - ادارات احصائیه و سبج احوال مکلف

هستند اوراق هویت که صحت آنها مورد تردید است در ظرف یک سال معین نموده در حوزه سبج احوال قبلاً اعلان نمایند و این اقدام شامل اوراق هویت اشخاصی است که سن آنها بین ۱۵ الی ۲۵ سال است پیشنهاد آقای مدرس

ماده ۸ این نوع اصلاح شود: مشمولین نظام مطابق اوراق سابق بحال خود باقی است اداره سبج احوال حق ندارد در اوراق گذشته تجدید نظر کند بقیه اوراق بلا اثر است و پس از تصویب این قانون مطابق قانون جدید اوراق صادر خواهد شد...

مدرس - این از کی بود؟

دولت شاهی - پیشنهاد آقا سید یعقوب بود

وزیر عدلیه - این پیشنهاد بکمرنبه دیگر قرائت شود ( پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بشرح سابق قرائت شد )

پیشنهاد آقای شیروانی - ماده ۸ را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم: ماده ۸ اداره احصائیه و سبج احوال مملکتی حق دارد و همچنین اشخاص ذی نفع از تاریخ تصویب این قانون تا دو سال حق دارند نسبت باوراق اظهار نامه و هویتی که قبل از تصویب این قانون داده شده و محتاج تصحیح می دانند اعتراض و تقاضای تجدید نظر نمایند. هر که طرفین اعتراض دارند و اعتراض را وارد میدانند اوراق را با اطلاع معترض تصحیح خواهند نمود. هر بیک از طرفین معترض میتوانند تا دو ماه پس از اعتراض طرف دیگر بمحاکم صالحه مراجعه نمایند.

رئیس - ماده ۸

( این قسم قرائت شد )

هر گاه اختلافی راجع باسناد سبج احوال ایجاد شود رسیدگی آن در محاکم ابتدائی و در صورت نبودن آن در نزدیک ترین محاکم صالح بعمل میآید و تا موقعی که از طرف محاکم مزبور اسناد مذکور بموجب احکام ابطال نشود آن اسناد باعتبار خود باقی خواهند بود و فقط محاکم مذکوره می توانند به تصحیح آن اسناد امر صادر کنند در این صورت مأمور سبج احوال رأی محکمه را

در دفتر مخصوص ضبط و در حاشیه دفتر اصلاح شده قید و بر طبق رأی محکمه ورقه جدید صادر مینمایند. تبصره ۱ - احکام محاکم فوق قطعی ( غیر قابل استیناف و تمیز ) است.

تبصره ۲ اشخاص بالغ شخصاً راجع بسن خود و ولی خاص یا قیم صغار راجع بسن صغار حق دارند تا یک ماه پس از صدور ورقه هویت اعتراض خود را در باب سن بمحاکم صالحه اظهار دارند پس از انقضای مدت مزبور راجع بسن اعتراضی پذیرفته نخواهد شد

تبصره ۳ - در محاکم صالحه برای رسیدگی باسناد سبج احوال بجای مدعی العموم مدافعه خواهد کرد رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - در ماده که گذشت و موادیکه بقی مانده بنده می بینم که همه اش تشکیل بیک محاکمی خواهد شد که از محاکم حالا هم زیادتر خواهد شد. مردم از امور مالیشان صرف نظر میکنند و بعدلیه میروند ولی راجع به نظام چون نقداً نمیدانم برای چیست که برخلاف طبایع مردم است و اسباب اشکال و زحمت همه جور فراهم خواهد شد. در بعضی جاها آمدند و خوب حاضر شدند و میروند عدلیه محاکمه کنند دیگر این جا چرا حکم استیناف و تمیز را برداشته اند؟ این بر ضرر آنها تمام خواهد شد. حالا که بنشانی بر این شده است که محاکم زیاد خوب است استیناف و تمیز را هم در این ماده بگذارید که اگر چنانچه در ابتدائی محکوم شده اند در استیناف و تمیز نگذارند.

وزیر عدلیه - بنده نمیدانم این جا کجا تشکیلات عدلیه را زیاد کرده اند که آقا از نقطه نظر خرج مضطرب شده اند و اشکال می کنند. بنده در ماده ۸ هم عرض کردم که تشکیلات ما کافی نیست برای این کار...

فیروز آبادی - خواهد شد

وزیر عدلیه - البته آن دقیقه که بنده پول و آدم کافی پیدا کنم سعی خواهم کرد که تشکیلات را چندین



برابر حالیه بکنم ولی بدبختانه حالا موقعش نرسیده است البته برای اینکار و برای سایر کارهای مردم باید محکمه نزدیک شان باشد که بتوانند کارهای شان را انجام بدهند ولی از برای این کار گفتیم که بدمرأ در اداره سجل احوال رسیدگی بشود ( این مرحله اولیش ) بعد اگر طرف راضی نشد مراجعه میشود بمحکمه ابتدائی و الا اگر اینطور نباشد این کار تمام شدنی نخواهد بود.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - عرض کنم که در این ماده شاهد رسر تبصره دوم است که می نویسد: اشخاص بالغ شخصاً نسبت بسن خود و ولی خاص یا قیم صغار راجع بسن صغار حق دارند تا بیکماه پس از صدور ورقه هویت اعتراض خود را بدهند و پس از انقضای مدت مزبور راجع بسن اعتراضی پذیرفته نخواهد شد ( عرض کنم که اولاً این تبصره راجع باوراق صادره گذشته است یا برای آتی هم هست؟ )

وزیر عدلیه - برای آتی است

شیروانی - پس در این جا مثل تبصره سوم آقای مخبر بادشان رفته است یا قلمشان بازائی نکرده است که مدعی و تعرض هر دو را یکی قرار داده اند، در تبصره سوم نوشته شده است نماینده سجل احوال عمل و وظیفه مدعی العموم را انجام میدهد که هم خودش معترض است و هم مدعی و هم نماینده مدعی العموم که باید حفظ حقوق طرفین را بکند در این جا هم شاید باز نخواسته اند بنویسند که تعیین اختیار سن یا مباشر سجل احوال خواهد بود یا با دیگری؟ ولی از این تبصره اینطور استنتاج میشود که تعیین سن باریس و یا مباشر سجل احوال است. و اگر بنده متعرض باشم تا یک ماه فرصت داده اند که اعتراض کنم و بعد هم میرود بمحاکم قانونی و خلاصه اینکه بنده نماینده یک محکمه صلاحیت دار چه جور می تواند حکم بدهد راجع بیک دعوائی که بین مردم و مأمور سجل احوال ایجاد شده است چطور آن محکمه تشخیص سن میدهد؟ بالاخره دنداناش را می بیند و میگوید ۲۵ ساله است؟ یا مأمور سجل احوال میگوید که ۲۱ سال دارد؟ محکمه آخر از روی چه مدرک و سندی

می تواند این را معین کند؟ البته بنده تصدیق میکنم بفرمایش آقای رئیس سجل احوال که در روز دروزارت داخله می گفتند يك عده اشخاصی هستند در این مملکت که تاریخ تولدشان را نمی دانند یکی میگوید سال قحطی بدنیا آمده ام یا سالی که در آن زمان آمد یا سالی که فلان جا کم وارد فلان شهر شد اینها صحیح است در دهات و آن گوشه و کنار هائی که آقای نامداد گفتند شاید صد هفتاد اینطور است که وقتی از شان پرسند سن شان را نمی دانند چقدر است. خوب کسی که خودش سال تولد خودش را نمی داند چطور تعیین آن را بعهده دیگری واگذار می کند؟

در این صورت باید تعیین آن شخص صاحب ورقه یعنی اظهار اظهار کننده را اشل قرار داد و اگر مأمور اعتراض دارد این را از مجاری قانونی تعقیب کند و آنهم فقط برای نقاطیست که مردم را می خواهند ببرند برای نظام وظیفه و آنها می خواهند فرار کنند. سن اشخاص را کاملاً درست دقت کنند که چقدر است تا نتواند از زیر این وظیفه مقنن فرار کنند و آنها غالباً در شهرها و جاهائی که فرار میکنند نه برای این است که از خدمت نظام فرار کنند خیر. میروند مرد نود ساله را میگیرند که سرباز کنند و الا هیچکس صدایش در نمی آید و با نهایت میل و رغبت میآید سر باز میشود و این خدمت ملی را انجام میدهد و اگر سر و صدائی هست مال این چند نفر مرکزی و هوچیهای طهران هست. و الا آنها اگر يك حرفهائی میزنند برای سوء اجرا است و گرنه مردم این مملکت گوششان برای قبول قانون آنها قانون صحیح از همه جای دنیا بیشتر آماده است ولی چیزی که هست شما اینجا اختیار تعیین سن را دادید بهمان مأمور زیراشلی هیچده تومانی که خدای نخواسته يك وقت میگوید آقا ما تو ۲۱ سال داری یا صد تومان بنده. آوقت اینجا اسباب اشکال و زحمت مردم میشود

وزیر عدلیه - تصور میکنم همان مطالبی که در ضمن

ماده ۸ گفته شد و بالاخره این اظهار را کردند که

بایستی مأمور سجل احوال حرف اظهار کننده را قبول کند و بعد اگر بنا باشد مأمور اعتراض بکند برود در محاکم صالحه. همین مطلب بود دیگر حرفشان؟ حالا خوب است اجازه بدهید و توجه بفرمائید بعرض بنده بنده اول هم عرض کردم پیشنهاد کنید اگر يك راهحلی پیدا کردید که بهتر بود بنده قبول میکنم می گویند که آن شخص خودش نمیداند چون سن خودش را نمیداند باین دلیل اظهار او را باید مدرک قرار داد عرض کردم اگر يك فورمولی بهتر از اینکه در ماده نوشته شده است و بنظر آنان اجرایش سهل تر میآید پیشنهاد کنید تا بآن عمل کنیم.

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - این جا بنظر بنده بین این ماده و ماده هشت يك تناقضی وجود دارد و کمیسیون داخله هم به تناقض اینها توجه نکرده اند. در ماده هشت نوشته است که اختیار تجدید نظر بامأمورین سجل احوال است یعنی آنها تجدید نظر می کنند در اوراق هویتی که تردید دارند و اگر کسی شاکی بود برود بمحاکم عدلیه - ولی در این ماده حق و اختیار تجدید نظر فقط داده شده است بمحاکم صالحه یعنی غیر از محاکم صالحه کسی حق ندارد تجدید نظر بکند در صورتیکه در ماده پیش این حق داده شده است بامأمورین سجل احوال و بنده خیال میکنم که باید تناقض این دو ماده را بهتر ترتیبی که هست در شورائی مرتفع کنند چون بطور کلی در ماده هشت نوشته است که در صورت اختلاف یعنی وقتی که مأمورین سجل احوال میگویند ورقه محل ایزاد است حق تجدید نظر را دارند ولی در ماده بعد برعکس است اگر کسی شکایتی داشت ابتداء در خود اداره سجل احوال رسیدگی میشود و بعد برای تجدید نظر میتواند بمحکمه مراجعه کند که تجدید نظر نمایند. این قسمت صریحاً در ماده ۹ نوشته شده است که اوراق باعتبار خودش باقی هست مأمور سجل احوال حق تصحیح ندارد و فقط محاکم صالحه یا ابتدائی میتوانند به تصحیح آن اسناد امر صادر کنند. موردی که بیشتر باید طرف توجه

آقایان محترم باشد ( مخصوصاً آقای وزیر داخله و وزیر عدلیه ) این است که شما تنها راهیکه برای مردم گذاشتید که اگر شکایت داشته باشند بروند بمحاکم عدلیه آن چیزی هم که بیشتر مورد دقت است چنانچه آقای شیروانی و وزیر عدلیه هم تذکر دادند راجع بسن اشخاص که برای فرار از نظام اجباری تشبیهات میکنند ولی در محاکم عرفیه بموجب قانونی که اخیراً ما گذرانده ایم شهادت شهود مطلب درست نمیشود - خوب بفرمائید چه راهی رای اشخاص هست جهت تعیین سن شان؟ ما صریحاً نوشتیم که محاکم عدلیه حق ندارند صرفاً بموجب شهادت شهود رأی بدهند از طرف دیگر در این مورد نمکنست استناد بشود بشهادت شهود اگر این طور است در این مورد بالاخره يك کسی که می خواهند در سن او تجدید نظر نمایند اگر يك اعتراضی داشته باشند ناچار است که يك شهودی اقامه بکند ولی بموجب قانون محکمه در این مورد صریحاً رأی بدهد بنا براین ارجاع بمحکمه فائده ندارد و این عرضحالها بی موقع خواهد بود. بنده عقیده ام این است حالا که خود آقایان هم متوجه شده اند در کمیسیون يك تجدید نظری در این قسمت بکنند و اصلاحاتی بکنند. چون بنده عضو کمیسیون نیستم و میخواهم در دفعه ثانی هم این حرف تکرار نشود این است که بعنوان تذکر عرض کردم. خوب است در این مورد يك هیئتی را مأمور تصحیح این اوراق بکنند لا اقل آن دلیلی هم که ایشان فرمودند که محاکم عدلیه کارشان زیاد و متراکم است و اگر بخواهند بنام اوراق رسیدگی کنند عملی نیست و نمی توانند بنا بر این بعقیده بنده بهتر این است که يك هیئتی مرکب از مأمورین و معتمدین محل در هر ولایت تشکیل دهد و باوراتی که مورد تجدید نظر قرار میگیرند و یا اعتراضاتی راجع بسن. و شاهد غیره میشود مراجعه نموده و حکم بدهند این بعقیده بنده هم عملی است و هم موجب رفاهیت مردم است و آن نتیجه هم که منظور است از اصلاح قانون بشود بعمل خواهد آمد

رئیس - آقای عمادی



عمادی - عرض میشود البته آقا نظریاتی که دارند برای تسهیل و آسایش عموم ملت است لکن آن قسمت اخیری که فرمودند که در هیئت محلی رسیدگی شود عرض میکنم اینکه آقا چون اینها امتحانات خودشان را داده اند و گمان میکنم خود حضرت عالی هم آن را تصدیق کنید اما در اصل مطلب البته کسی منکر نیست که بسک تنظیمات و وسائلی پیدا باشد که مستلزم آسایش ملت باشد ولی عجله چیزی که هست چون مطلب قدری نظری است خوب است باس آن که فعلاً مطرح است رای داده شود آنوقت موضوع برود بکمیسیون و در کمیسیون اگر آقا نظریاتی دارند مقرر نمایند و در آنجا اگر حال نشد بزرگو مرتبه مراجعه میشود بمجلس و صحبت میشود اما در موضوع اختلاف من عرض کنم که من را سه قسم میتوان بدست آورد

یکی که بطریق وقوع است که در آنجا صحیحی موجود است و تشخیص داده میشود یک قسم هم آثار و اطلاع عده از جمله این محل را قدیمی ها و پیر مرد ها و غیره است. یک قسم دیگرش هم ممکن است حال عادی باشد که عادت حکم میکند این شخص چقدر سنش است و یک نصاب معینی برای او قرار میدهند و بنهارا هم ممکن است در یک تبصره قید کنند.

وزیر عدلیه - عرض کنم تذقظی که آقای یاسائی فرمودند بین این دو ماده است نیست. این دو ماده دو قسمت است. ماده هشت راجع به ورزاقی است که تا امروز داده شده. ماده نهم راجع به ورزقی است که بعد از این قانون داده میشود ظهراً آن کسی که ۱۵ سال بیالا دارد معین است باید مطابق ماده اول برود تقاضای ورزقه بکند آنوقت اگر یک اختلافی بعد حاصل شد مطابق ماده نهم مراجعه میکند بمحاکم بان ترتیبی که معین شده ولی ماده هشتم راجع به ورزاقی است که تا کنون بدست اشخاص داده شده است پس این دو ماده دو مطلب را میگوید و تذقظی هم ندارد. مخصوصاً در تبصره این ماده میگوید ( اشخاص بالغ شخصاً راجع بسن خود و ولی خاص یا

سر شماری بکنند که در هر ده و قریه بدانند چقدر سکنه هست - مرد چقدر، زن چقدر، بچه چقدر این دیگر قانون مخصوص نمیشود معذک در این قانون ذکر شد البته ترتیبات اجرای آن در نظامنامه معین خواهد شد رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم که این ماده را بنده تعجب میکنم چرا در اینجا ذکر کرده اند چون این ماده اصلاً زائد است. سر شماری اصلاً جزو امور اداره احصائیه است و کار آن اداره است و اصلاً خود دفاتری که سجل احوال دارد حتی از عده نفوس و ضایعات و متولدات و متوفیات هست دیگر این ماده هیچ مانعی ندارد و زائد است اگر توضیحات قناعت کننده دارند بدهند تا بنده رفع اشکال شود

وزیر عدلیه - تصور میکنم در اساس امر آقا مخالفتی ندارند که سر شماری باید بشود ولی سجل احوال به تنهائی در ابتدای امر تا چند سال دیگر این امر را تا همین نمی کنند زیرا ممکن است اشخاصی بیایند سجل احوال بگیرند و اداره سجل احوال هم می خواهد عده ساکنین تمام مملکت را بدانند بنا بر این ممکن است سجل احوال این مقصود را تأمین نکند. حالا اگر آقا نظری دارند ممکن است روی کاغذ بیاورند و پیشنهاد کنند تا بکمیسیون مراجعه شود رئیس - ماده سیزدهم قرائت میشود.

( این قسم قرائت شد )  
ماده ۱۳ - قانون سجل احوال مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۰۴ که مشتمل بر ۳۵ ماده است نسخ و این قانون که مشتمل بر ۱۷ ماده می باشد از تاریخ تصویب بوسیله وزارت داخله بموقع اجرا گذارده خواهد شد رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده باز مسبقاً بعبادت هشتم خوب است این ماده را دو قسمت کنیم که قسمت اجرای قانون جدا گانه باشد و قانون چهارده ماده باشد رئیس - ماده الحاقیه هم هست. ماده الحاقیه پیشنهادی آقای مدرس :

رئیس - مخالفی ندارد  
گفته شد - خیر  
رئیس - ماده یازدهم ...

وزیر عدلیه - اجازه میفرمائید؟ بنده از طرف دولت ماده ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ را پس میگیریم زیرا در قانون مجازات عمومی هست و ضرورتی ندارد که در اینجا هم ذکر شود.

رئیس - بنا بر این ماده یازدهم ماده یازدهم خواهد شد.

( ماده یازدهم بعنوان ماده یازدهم بشرح ذیل قرائت شد )  
ماده ۱۱ - سجل احوال اشخاص در دفاتری که نظامنامه آن بتصویب هیئت وزراء میرسد ثبت خواهد گردید.

رئیس - مخالفی ندارد؟  
( گفته شد خیر )

رئیس ماده دوازدهم :  
( شرح آتی قرائت شد )

ماده ۱۲ - اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکتی علاوه بر وظایف مقرر در امور سر شماری کلیه نفوس مملکت خواهد بود که هر ده سال یکمرتبه باید در تمام مملکت سر شماری بعمل آمده عموم اشخاصی که در ایران ساکن می باشند باید اطلاعات لازمه را در موقع تقاضا بمامورین سر شماری بدهند.

رئیس آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - این جا نوشته است که اداره احصائیه و سجل احوال مأمور سر شماری در مملکت بکنند ولی به چه ترتیب معلوم نیست که چه قسم است باید این را توضیح بدهند و الا در اساسش بنده مخالفتی ندارم.

وزیر داخله - این قسمت در نظامنامه معین می شود.

وزیر عدلیه - عرض کنم که این يك مسئله است که اگر در این قانون هم نبود مانعی نداشت که دولت



( بشرح ذیل قرائت شد )  
 کلیه ادارات و دوائر و مامورین سجل احوال در تمام مملکت باید از متقاعدین وزارت داخله محل و با نبودن متقاعدین در آن حوزه و با قبول نکردن منتظرین خدمت وزارت داخله که دارای رتبه چهار بیابا باشند تشکیل خواهد شد

ماده الحاقیه پیشنهاد آقای شریعت زاده :  
 وظیفه مامورین سجل احوال را در ممالک خارج قنسولها با مامورین دیگری که صلاحیت آنان را دولت تشخیص دهد انجام خواهند داد  
 رئیس - اخذ رأی بشور تانی میباشد برای جلسه بعد  
 بعضی از نمایندگان - صحیح است

( مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد )